

<p>پایه یازدهم:</p> <p>رشته‌های: تجربی ریاضی -</p> <p>فیزیک</p> <p>درس: اول</p> <p>طراح: دکتر کامران سلیمانی</p>	<p>«هُوَ الْعَلِيمُ»</p> <p>معاونت آموزش متوسطه وزارت</p> <p>آموزش و پرورش</p> <p>دفتر آموزش متوسطه نظری</p> <p>دبیرخانه راهبردی کشوری</p> <p>تولید شده در استان کرمانشاه</p>	<p>محتوای نوشتاری کتاب:</p> <p>عربی زبان قرآن (۲)</p> <p>سال تحصیلی: ۱۳۹۹-۱۴۰۰</p>
--	---	--

عنوان: محتوای نوشتاری درس اول کتاب عربی، زبان قرآن (۲) پایه دوازدهم رشته های تجربی - ریاضی

اهداف درس:

دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱) متن «مِنَ آيَاتِ الْاٰخِلَاقِ» را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲) معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳) شبیه متن مکالمه درس را در کلاس به همراه هم کلاسی هایش اجرا کند.
- ۴) شکل های مختلف اسم تفضیل را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۵) اسم مکان را بشناسد و درست ترجمه کند.

نکات مهم درس:

- ۱- ترجمه درست جملات و عبارات دارای اسم تفضیل. ۲- ترجمه فعل ماضی بصورت ماضی نقلی، بعید. ۳- یادآوری محلّ الإعرابی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، جارّ و مجرور. ۴- ترجمه فعل مجهول. ۵- ترجمه فعل مضارع، مضارع منفی، مستقبل و نهی. ۶- یادآوری قواعد اعداد بصورت جمع، منها، تقسیم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید.

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ: از آیات اخلاق:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قوم دیگر را مسخره کند.

نکته: «لَا يَسْخَرُ» فعل نهی از غایب مضارع است و برای ترجمه آن از کلمه «نبايد» استفاده می‌کنیم.

عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ

شاید که آن‌ها از ایشان بهتر باشند.

وَ لَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ

و زنانی، زنان دیگر را (نباید مسخره کنند) شاید که آن‌ها بهتر از ایشان باشند.

وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ

از خودتان عیب‌جویی نکنید و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید.

بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

آلوده شدن به گناه پس از ایمان آوردن بدنامی است.

نکته: «بئس»، فعلی است که معنای «بد ... است» یا «چه بد است» می‌دهد و متضاد آن «نعم» است که به معنای

«چه خوب است».

وَمَنْ لَمْ يَتُوبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

و کسانی که توبه نکنند، پس آنان همان ستمکارانند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا

ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه هستند و جاسوسی نکنید.

وَ لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضًا

نباید برخی از شما برخی دیگر را (یکدیگر) را غیبت کند. (از یکدیگر غیبت نکنید)

نکته: فعل «لَا يَغْتَابَ» را هم می‌توان به صورت غایب ترجمه کرد و هم با توجه به ضمیر مخاطب «كُم» در «بَعْضُكُمْ»

می‌توان آن را به صوت مخاطب ترجمه کرد.

أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟ پس آن را ناپسند می-

دارید و پروای الهی داشته باشید؛ قطعاً خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا،

شاید (گاهی) میان مردم کسی باشد که از ما بهتر است.

فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ

پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم و با سخنی پنهانی یا با اشاره، عیب‌های دیگران را بیان نکنیم.

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع): أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.

امیر المؤمنین علی (ع) فرموده است: بزرگ‌ترین عیب این است که از چیزی که مانند آن در خودت است

عیب‌جویی کنی.

تَتَّصِحُّنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ نَقُولُ: لَا تَعْيِبُوا الْآخِرِينَ.

آیه نخست ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.

وَ لَا تُقَبِّهُم بِالْألقَابِ يَكْرَهُونَهَا.

و آنان را با لقب‌هایی زشت می‌دارند لقب ندهید.

بئسَ العملُ الفسوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آلوده شدن به گناه بدکاری است! و هرکس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

-الاستِهزاء بِالْآخِرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُم بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: ریشخند کردن دیگران و نام‌گذاری آنان با نام‌های زشت؛

-سوء الظَّنِّ وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ: بدگمانی و آن اتهام‌زدن شخصی به شخص دیگری است بدون دلیل منطقی؛

-التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

جاسوسی کردن، و آن تلاشی زشت است برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان، و آن در مکتب ما از گناهان بزرگ و از اخلاق زشت است.

-وَ الْغَيْبَةُ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

و غیبت، و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط در بین مردم است.

سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند.

اعلموا

اسم التفضيل و اسم المكان

اسم التفضيل

اگر بخواهیم میان انسان‌ها یا اشیاء، مقایسه‌ای انجام بدهیم تا بدانیم کدامیک برتر هستند، در زبان فارسی برای این کار، از صفت عالی یا صفت تفضیلی کمک می‌گیریم و در زبان عربی از اسم تفضیل برای این کار استفاده می‌شود. اسم تفضیل، معنای برتری را در خود دارد. در واقع، اسم تفضیل معادل صفت‌های برتر و برترین در زبان فارسی است. اسم تفضیل در زبان عربی، دو وزن دارد: ۱- وزن «أَفْعَل» برای مذکر به کار می‌رود. ۲- وزن «فُعَلَى» که برای مؤنث به کار می‌رود؛

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروبَّا: آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا: کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَان: کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ: برترین مردم، سودمندترینشان برای مردم است.

نکته ۱: اگر بعد از اسم تفضیل حرف جر «مِنْ» بیاید، اسم تفضیل همیشه به صورت مفرد مذکر به کار می‌رود؛ چه ماقبل آن، مفرد، مثنی، جمع و یا مذکر و مؤنث باشد.

الطَّالِبَاتُ أَكْثَرُ مِنَ الطَّالِبَاتِ. الطَّالِبَاتُ أَكْثَرُ مِنَ الطَّالِبِ.

نکته ۲: اگر بعد از اسم تفضیل حرف جر «مِنْ» به کار رود برای ترجمه اسم تفضیل از پسوند «تر» (صفت تفضیلی) استفاده می‌شود؛ مانند:

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروبَّا: آسیا بزرگ‌تر از اروپا است.

جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است.

نکته ۳: گاهی اوقات اسم تفضیل به صورت مضاف به کار می‌رود، در این صورت برای ترجمه اسم تفضیل، از صفت عالی «ترین» در ترجمه استفاده می‌شود؛

مانند: سورة البقرة أكبر سورة في القرآن: سورة بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

جَبَلُ دِمَاوَنْدِ اَعْلَى جِبَالِ اِيران: کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

نکته ۴: هرگاه اسم تفضیل دارای «ال» باشد و ماقبل اسم تفضیل، مؤنث باشد، اسم تفضیل بر وزن «فعلی» می‌آید؛

مانند:

فاطمة الكبرى: فاطمه بزرگ‌تر زینب الصغرى: زینب کوچک‌تر

نکته ۵: گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید (یعنی در ظاهر آن‌ها تغییرات مختصری ایجاد شده است)؛

مانند: «اعلی» بلندتر - بلندترین / اعلی: گران‌تر - گران‌ترین / اشد: سخت‌تر - سخت‌ترین / احب: محبوب‌تر -

محبوب‌ترین / اقل: کمتر - کمترین - اتقی: پرهیزگارتر - پرهیزگارترین.

نکته ۶: برخی از کلمات هستند که بر وزن افعال هستند، ولی اسم تفضیل محسوب نمی‌شوند؛ مانند: کلماتی که

دلالت بر رنگ کنند: ابيض: سفید - اسود: سیاه - ازرق: آبی - اصفر: زرد، احمر: قرمز، سرخ و ... همچنین گاهی

اوقات، فعل ماضی بر وزن افعال می‌آید؛ مانند: اكرم: گرامی دانست - اعلم: یاد داد؛

مَنْ اَخْلَصَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ صَباحاً ظَهَرَتْ يَباعُ الحِكْمَةِ عَلَيْهِ: هر کس چهل صبح برای خدا خالص شود (شد)، چشمه‌های

حکمت بر او آشکار می‌شود (شد).

خَيْرُ اِخوانِكُمْ مَنْ اَهْدَى اِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان (یاران و دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما

هدیه کرد (کند).

اَحْسَنَ الشَّابِّ اِلَى مَنْ اَساءَ اِلَيْهِ: جوان به کسی که به او بدی کرد، نیکی کرد.

و یا اینکه فعل مضارع به صورت صيغة متکلم وحده می‌آید؛ مانند:

اَنْصَحُكَ بِقِراءَةِ اِنْشائِكَ: تو را به خواندن انشای نصیحت می‌کنم.

اِنَّيْ اَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ: قطعاً من می‌دانم آنچه را که نمی‌دانید.

بنابر این توجه به معنای کلمه، ضروری است.

نکته ۷: دو کلمه «آخِر و أُخْرَى» اسم تفضیل هستند که اولی به صورت مذکر و دومی به صورت مؤنث آمده است.

نکته ۸: اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» جمع بسته می شود؛ مانند: أَفْضَلُ: أَفْضَلُ - أَكْبَرُ: أَكْبَرُ - أَرْذَلُ: أَرْذَلُ و ...

نکته ۹: دو کلمه «خَيْر و شَرٌّ»، اگر به معنای خوبی و بدی باشند اسم تفضیل محسوب نمی شوند؛ مانند:

الْعِلْمُ خَيْرٌ: دانش، خوب است.

الْحَسَدُ شَرٌّ: حسادت، بد است.

الْحَيْرُ فِيمَا تُحِبُّهُ: خوبی در چیزی است که دوست می داری.

لَا تُعَاشِرِ الَّذِي يَنْتَحِبُ الشَّرَّ: با کسی که بدی را بر می گزیند معاشرت نکن.

فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ يُجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً: پس چه بسا چیزی را ناپسند بدارید و خداوند خیر (خوبی) فراوانی در آن قرار می دهد.

كَلِمَةُ خَيْرٍ تُفِيدُ أَفْضَلَ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ: کلمه خیری که سود می رساند بهتر از کتابی است که فایده ای ندارد.
مَا رَأَيْتُ إِلَّا خَيْراً فِي كَلَامِ أَبِي: چیزی جز خوبی در سخن پدرم ندیدم.

أَرِيدُ لَكَ الْخَيْرَ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ: برایت در همه اوقات خوبی را می خواهم.

الْخَيْرُ فِي حُسْنِ الْخُلُقِ: خوبی در خوش اخلاقی است.

اما اگر پس از دو کلمه «خَيْر و شَرٌّ» حرف جر «مِنْ» بیاید و یا اینکه دو کلمه «خَيْر و شَرٌّ» به صورت **مضاف** به کار روند در این صورت اسم تفضیل محسوب می شوند؛ مانند:

تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٍ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً: ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ: بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: به سوی بهترین کار بشتاب.

نکته: گاهی اوقات حرف جرّ «من» در تقدیر است؛ مانند: الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى = الْآخِرَةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَأَبْقَى مِنَ الدُّنْيَا

اسم مکان:

اسم مکان، بر محلّ و جا دلالت دارد و بیشتر بر وزن مَفْعَل و گاهی بر وزن مَفْعِل و مَفْعَلَة است؛ مانند: مَلْعَب: ورزشگاه / مَطْعَم: رستوران / مَصْنَع: کارخانه / مَطْبَخ: آشپزخانه / مَحْمِل: کجاوه / مَنَزِل: خانه / مَكْتَبَة: کتابخانه / مَطْبَعَة: چاپخانه.

نکته ۱: جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است، مانند: مدارس، مَلَاعِب، مَطَاعِم، مَنَازِل.

نکته ۲: برخی از کلمات وجود دارند که بر وزن مَفَاعِل هستند، ولی اگر به مفرد کلمه و معنای آن دقت کنید در می یابیم که اسم مکان محسوب نمی شوند؛ مانند: مَشَاغِل: شُغْل / مَلَائِس: لِبَاس / مَشَاكِل: مُشْكِل / مَحَاسِن: حُسْن / مَوَاعِظ: موعظة.

نکته ۳: اسم مکان حتماً باید بر وزن های مشخص شده باشند و هر کلمه ای که بر مکان دلالت کند، اسم مکان محسوب نمی شود. برای مثال «بیت» به معنای خانه بر مکان دلالت می کند، ولی اسم مکان به حساب نمی آید.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (خودت را بیازما: احادیث زیر را ترجمه کن؛ سپس زیر اسم تفضیل خطی قرار بده)

۱. سئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ:

از پیامبر خدا(ص) سؤال شد: چه کسی نزد خدا محبوبترین مردم است؟ فرمود: سودمندترین مردم برای مردم

۲. أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خویش افزود(بیافزاید)

۳. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. برترین کارها کسب روزی حلال است.

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن)

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

پروردگارا! ایمان آوردیم پس ما را ببامرز و به رحم کن در حالی که تو بهترین مهربانان(رحم‌کنندگان) هستی.

۲. خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.

بهترین برادرانتان(یاران و دوستانتان) کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.

۳. ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾.

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۴. مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.

هرکس شهوتش بر عقلش غلبه پیدا کند پس او بدتر از چهارپایان است.

۵. شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

بدترین مردم افراد دو رو است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَةَ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ: (آیه و عبارت را ترجمه کن؛ سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن)

۱. ﴿ وَ جَادِلْهُمْ بِآلَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ﴾

و به روشی که نیکوتر است ستیزه کن (گفت و گو کن) قطعاً پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شده است داناتر است.

۲. ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾

و سرای آخرت بهتر و ماندگارتر است.

۳. كَانَتْ مَكْتَبَةٌ جُنْدِي سَابُورٍ فِي خَوْزِسْتَانَ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگترین کتابخانه در دنیای قدیم است.

حوار

(گفتگو)

في سوق مشهد

(در بازار مشهد)

بائع الملابس: فروشنده لباسها	الزائرة العربية: خانم زیارت کننده عربی
عليكم السلام مرحباً بك: درود بر شما. خوش آمدی.	سلام عليكم: درود بر شما
ستون ألف تومان. شصت هزار تومان	كم سعر هذا القميص الرجالي? قیمت این پیراهن مردانه چند است؟
عندنا بسعر خمسين ألف تومان. تفضلي أنظري. (پیراهن) به قیمت پنجاه هزار تومان داریم.	أريد أرخص من هذا. هذه الأسعار غالية. ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران است.
أبيض و أسود و أزرق و أحمر و أصفر و بنفسجي. سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش.	أي لون عندكم? چه رنگی دارید؟
تبدأ الأسعار من خمسة و سبعين ألفاً إلى خمسة و ثمانين ألف تومان. قیمت ها از هفتاد و پنج هزار تومان تا هشتاد و پنج هزار تومان شروع می شود.	بكم تومان هذه الفساتين? این پیراهن های زنانه چند تومان است؟
سيدي يختلف السعر حسب النوعيات. سرورم! قیمت بر اساس جنس ها متفاوت است.	الأسعار غالية! قیمت ها گران است!
السراويل الرجالي بتسعين ألف تومان و السراويل النسائي بخمسة و تسعين ألف تومان. شلوار زنانه نود هزار تومان و شلوار مردانه نود و	بكم تومان هذه السراويل? این شلوارها چند تومان است؟

پنج هزار تومان است.	
أُرِيدُ سِرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. شلوارهای بهتر از این می‌خواهم.	ذَلِكَ مَتَجَرُّ زَمِيلِي، لَهُ سِرَاوِيلُ أَفْضَلُ. آن فروشگاه همکارم است، شلوارهای بهتری دارد.
في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ ... در فروشگاه همکارش ...	
رَجَاءً، أَعْطِنِي سِرْوَالاً مِنْ هَذَا النَّوْعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلُغُ؟ لطفاً، شلواری از این جنس به من بده و ... قیمت چقدر شد؟	صَارَ الْمَبْلُغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. أَعْطِنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف دویست و بیست هزار تومان به من بده.

۱) أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات واژه‌نامه مناسب توضیحات زیر است؟)

۱. جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد) **حَرَمٌ**
۲. الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست) **الْمَيِّتُ**
۳. الذُّنُوبُ الكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ) **كَبَائِرُ**
۴. الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد) **تَوَّابٌ**
۵. تَسْمِيَةُ الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. (نامیدن دیگران با نام‌های زشت) **تَتَنَاوَزُ بِالْأَلْقَابِ**
۶. ذَكَرَ مَا لَا يَرْضَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (یاد کرد آنچه که دیگران در نبودشان به آن راضی نمی‌شوند) **إِغْتَابٌ**

۲) تَرْجِمَ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ ثُمَّ عَيَّنَ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن؛ سپس مورد خواسته شده را مشخص کن)

۱. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. المَبْتَدَأُ: حُسْنُ الخَبَرِ: نِصْفُ

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲. مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. المَفْعُولُ: نَفْسَهُ

هر کس اخلاقش بد شد خودش را عذاب داد.

۳. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. الفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ: بُعِثْتُ المَفْعُولُ: مَكَارِمَ

فقط برانگیخته شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم.

۴. اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي. الفِعْلُ الْمَاضِي: حَسَّنْتَ وَ الفِعْلُ الْأَمْرُ: حَسِّنْ

پروردگارا! همانطور که آفرینش را نیکو گردانیدی اخلاقم را نیکو گردان.

۵. لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

اسم التَّفْضِيلِ: أَثْقَلَ وَ الْجَارُّ وَ الْمَجْرُورُ: فِي الْمِيزَانِ - مِنَ الْخُلُقِ

در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

۳) تَرْجِمَ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل‌ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن)

المَاضِي	المُضَارِع	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	المَصَدَّر
قَدْ أَحْسَنَ: نیکو کرده است	يُحْسِنُ: نیکو می‌کند	أَحْسِنْ: نیکو کن	إِحْسَان: نیکو کردن
إِقْتَرَبَ: نزدیک شد	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	إِقْتِرَاب: نزدیک شدن
إِنْكَسَرَ: شکسته شد	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	إِنْكَسَار: شکسته شدن
إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن
مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی‌کند	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	مُسَافَرَة: سفر کردن
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	تَعَلُّم: یاد گرفتن
تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می‌کنید	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَبَادُل: عوض کردن

تعلیم: آموزش دادن	عَلَّمَ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است
-------------------	--------------------	-----------------------------------	------------------------------

٤) اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (فرایند حسابی زیر را مانند مثال بنویس)

١. عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ. $10 + 4 = 14$

٢. مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ. $100 \div 2 = 50$

٣. ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةً وَعِشْرِينَ. $8 \times 3 = 24$

٤. سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ. $76 - 11 = 65$

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ: (نقش کلمات رنگ شده را مشخص کن)

١. ﴿ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴾ مفعول - مجرور بحرف جر

پس خداوند آرامشش را بر رسولش و مؤمنان فرستاد.

٢. ﴿ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾ فاعل - مفعول

خداوند به هیچ نفسی (شخصی) جز به اندازه توانش تکلیف نمی نهد.

٣. السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. مبتدا - خبر

سکوت طلاست و نقره سخن.

٤. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. مبتدا - مضافٌ إليه - مجرور بحرف جر - خبر

محبوبترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

٦) تَرْجِمِ التَّرَاكِبِ وَ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ وَ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ وَ اسْمَ الْمَكَانِ وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب‌ها و جملات زیر را ترجمه کن؛ سپس اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن)

١. ﴿رَبِّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ﴾: اسم مکان

پروردگار خاور دور و نزدیک

٢. ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ اسم مبالغه

قطعاً تو بسیار دانا به نهان‌ها هستی.

٣. ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقِدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ مَرَقِد: اسم مکان

الْمُرْسَلُونَ: اسم مفعول

چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، این همان چیزی است که پروردگار بخشنده وعده داد و فرستاده‌شدگان (رسولان) راست گفتند.

٤. يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: اسم فاعل

ای کسی که نیکوکاران را دوست می‌دارد

٥. يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ: اسم تفضیل اسم فاعل

ای مهربان‌ترین مهربانان

٦. يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ: اسم فاعل اسم مفعول

ای پوشاننده هر عیب‌داری

٧. يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ: اسم مبالغه

ای بسیار آمرزنده گناهان

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَرَبِيَّةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ: (كلمه‌ای كه در هر مجموعه بیگانه است را مشخص كن)

۱- صَبَاح	مَسَاء	لَيْل	مَيِّت ✓
۲- عُجْب	لَحْم ✓	فُسُوق	إِثْم
۳- كِبَائِر ✓ نِسَاء	رِجَال	أَوْلَاد	
۴- سَخِرَ	عَابَ	سَاعَدَ ✓	لَمَزَ
۵- أَحْمَر ✓	أَحْسَنَ	أَجْمَلَ	أَصْلَحَ
۵- أَصْفَر	أَزْرَقَ	أَبْيَضَ	أَكْثَرَ ✓

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعِ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً: (در جای خالی کلمه مناسب قرار بده)

۱- اِشْتَرَيْنَا وَ فَسَاتَيْنِ بِأَشْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي المَتَجَرِ.

سَرَاوِيلُ ✓ أَشْهُرًا مَوَاقِفَ

۲- مَن المُؤْمِنِينَ فَعَلِيهِ ائْتَذَرُ إِلَيْهِمْ.

إِغْتَابَ ✓ اِنْتَقَى مَدَحَ

۳- خَمْسَةٌ وَ سِتُّونَ نَاقِصٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي

اِثْنَيْنِ وَ اَرْبَعِينَ ✓ اِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ اَرْبَعَةٌ وَ عِشْرِينَ

۴- اَرَادَ المُشْتَرِي السِّعْرِ.

نُوعِيَّةَ (جنس) مَتَجَر (فروشگاه) تَخْفِيضَ (تخفيف) ✓